

باسمه تعالی

عنوان کرسی: حیات اقتصادی شیعیان عصر حضور امامان معصوم

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر محمودرضا محمد دوست (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام دکتر سید حمید جوشقانی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر محمدسعید پناهی بروجردی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: حجت الاسلام دکتر سید محمدعلی عون نقوی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دو شنبه (۱۹ تیر ۱۴۰۲)، ساعت ۱۲-۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام دکتر محمد دوست به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام دکتر محمد دوست که به صورت مجازی در جلسه حضور داشتند به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

تاریخ اجتماعی که عهده دار کشف لایه های پنهان زندگی روزمره، خصوصاً بخش اقتصادی مردم است، به سبب عادی شدن طی زندگی روزمره انسان ها اغلب مورد غفلت مورخان بوده است. از این رو در پرداختن به آن با کمبود اطلاعات روبه رو هستیم و به جز گزارش های پراکنده از زندگی اعتقادی و اجتماعی مردم چیزی به دست نمی آید، این اطلاعات محدود بیشتر از لابه لای گزارشهای زندگی حاکمان با عامه مردم به دست می آید، که بازگوکننده واقعیات تاریخ اجتماعی نیست.

در این میان، شیعیان که همواره از سوی حاکمیت، مورد بيمهري قرار داشتند، به صورت طبیعی زندگی اجتماعی و سخنان رهبران ایشان، ناشناخته تر مانده و به طور شایسته انعکاس نداشته است. به اضافه آنکه با تحمیل تقیه و افزایش میل به مهاجرت، بر پیچیدگی تاریخی آن افزوده گردیده است. به نظر میرسد، دستیابی به بخش تاریخ اجتماعی و وضعیت اقتصادی شیعیان، به سبب نبود منابع کهن مختص به این موضوع، ابهامات و چالشهایی داشته باشد؛ زیرا بر اثر ترس از حکومتها،

چندان توجهی به حیات این گروه نشده است و بسیاری از اطلاعات مربوط به این بحث به دست ما نرسیده یا از بین رفته است. با این حال برخی از اطلاعات در کتب حدیثی، تاریخی، کلامی، رجالی و فقهی به صورت پراکنده آمده است، که از جمع آوری دقیق آن اطلاعات جسته و گریخته و تحلیل آن، میتوان اطلاعاتی در این رابطه به دست آورد و حیات اقتصادی شیعیان را ترسیم کرد.

به رغم آن که از دیرباز تاکنون، درباره تاریخ پرفراز و نشیب، پیشوایان دینی، اعتقادات، مبانی و اصول فکری تشیع مطالعات و تحقیقات فراوانی صورت گرفته، با این حال کمتر پژوهشی به طور مستقل به بررسی نقش اقتصاد در استمرار حیات شیعه پرداخته است. با این تفاسیر، اطلاعات درباره تاریخ اجتماعی شیعیان ناچیزند و به سبب پراکندگی آن در منابع متعدد قدیمی امر دشواری است.

بنابراین در اینجا سعی داریم، اقتصاد شیعه را در پیوند سیاست و فرهنگ و از دریچه تاریخی بررسی نماییم و گوشه هایی از تاریخ اقتصادی مردم شیعه در سه قرن ابتدایی هجری مورد مطالعه قرار دهیم. البته آنچه در منابع، یافت میشود، داده های پراکنده ای است که نویسندگان غیر شیعه بیشتر، اوضاع اقتصادی و زیستی شیعیان مناطق مرکزی را بازتاب میدهند. هر چند نیم نگاهی نیز به اخبار و اندیشه های اقتصادی شیعی شده، ولی با توجه به نبود زمینه مناسب، چنین تلاشهایی تنها به فراهم شدن بسترهای لازم برای مطالعات محدود شیعی در ادوار بعدی منجر شده است. نظر به این نقصان مطالعاتی، ضرورت انجام چنین پژوهش هایی دوچندان میشود.

وضعیت اقتصادی شیعیان در دوره خلفای نخستین

اقتصاد به لحاظ گستره تأثیراتی که بر زندگی انسان دارد و نیز حجم انبوهی از تغییرات اجتماعی که به همراه می آورد، جزء پردوام ترین پدیده ها هست و آثار استواری را بر استمرار حیات انسانی باقی میگذارد. هیچ گروهی بدون اقتصاد قوی از حاکمیت برخوردار نخواهد بود. زیرا قدرت اقتصادی، قدرت فکری سیاسی اجتماعی و اعتقادی می آفریند.

شیعیان از آن جهت که مخالفان حکومت و فرقه ای انحرافی معرفی می شدند؛ طبیعتاً شهروندان درجه دوم به حساب می آمدند و در معرض تبعیض های همه جانبه حاکمیت و بدبینی مردم قرار می گرفتند. ایشان در اثر سخت گیری های تحمیلی حکمرانان، از فرصت های برابر شغلی و حقوق بیت المال محروم شده بودند به گونه ای که عمدتاً از درآمد کافی برای گذران زندگی برخوردار نبودند. آن چه تداوم حیات ایشان را دشوارتر کرده بود، نارضایتی امامان از اشتغال ایشان به کارهایی بود که نوعی همکاری با حکومت شمرده میشد.

بنابراین به سبب دشمنی شدید حاکمیت با شیعیان و حضور حداقلی ایشان، نمی توان شاهد حضور گسترده و پررنگ اقتصادی آنها در جامعه باشیم، تنگناهای اقتصادی در میان شیعیان چنان فراگیر بود که وقتی از فشارهای فزاینده اقتصادی،

نزد پیشوایانشان شکایت میکردند، رهبران شیعه با یادآوری پاداش فقر تحمیلی و آثار نیک آن، رنج های پیروانشان را تسکین میدادند و حتی گاهی فقر را از ویژگیهای شیعیان خود بر می شمردند و ایشان را به پوشیدن لباس صبر برای صیانت از عوارض فقر سفارش میکردند.

فشارهای اقتصادی بر رهبران شیعه از همان دوران خلیفه اول با تصرف تنها سرمایه ایشان یعنی فدک و اخراج کارگران آن شروع شد، تا با پراکندن مردم از گرد امام علی (ع) توانائی اقتصادی مقابله آنان با حکومت را سلب کنند خصوصاً که عده ای در حمایت از امام علی (ع) به خلیفه اول زکات ندادند. در دوران خلیفه دوم با ادعای اختلاف موقعیت مسلمانان، این تبعیض تشدید هم شد؛ عمر بن خطاب به رغم زندگی ساده و زاهدانه و مقابله با مظاهر اشرافیگری و رفاه، پدیده ای به نام تفاوت در سهمیه ها را بنیان گذاری نمود، که عملاً به فساد سیستماتیک در حکومت انجامید.

به این گونه که سهم هر مسلمان از بیت المال، مشروط بود به میزان نزدیکی نسبی با پیامبر به علاوه سبقت در اسلام در حالی که سنت تقسیم به مساوات توسط پیامبر و حتی در زمان کوتاه خلافت ابی بکر ادامه یافته بود.

با زمامداری عثمان خلیفه سوم، اوضاع بدتر هم شد، زیرا وی از معیارهای تقسیم عمر هم فراتر رفت و با افتخار به بخشش های بیجا از بیتالمال به امویان و اعطای پستهای مهم حکومتی به اطرافیان بسیاری از فرصت های اقتصادی را هدر داد و با خصوصیسازی جانبدارانه، درّه ی عمیق فاصلهی طبقاتی بین فقیر و غنی را تحقق بخشید او بر خلاف تصمیمات عمر، صحابه و رؤسای قریش را مجاز به خروج از مدینه و تجارت و تبدیل سکه ها به زمین های زراعی و تملک اراضی در سراسر بلاد اسلامی نمود و دارالخلافه را به مرکز تولید و بازتولید فساد اقتصادی تبدیل نمود. سیاست خصوصی سازی وی، باعث ثروتمندتر شدن ثروتمندان شد، به ویژه که اشرافیگری شخص خلیفه زمینه اوجگیری نارضایتی عمومی را فراهم نمود.

وضعیت اقتصادی شیعیان در دوره امویان

مقاومت معاویه در مقابل حکومت امام علی (ع)، با تکیه بر پایگاه قوی اقتصادی شام منجر به جذب افراد به خودش و تجزیه این منطقه از حکومت امام علی (ع) شد، معاویه توانست با اهرم تطمیع اقتصادی؛ صحابه، سران قبایل و نخبگان را به دربار خود بکشاند و پس از دوران امام علی (ع) با ترفندهائی مانند رشوه دادن، برخی سرداران سپاه امام حسن (ع) را نیز از ایشان جدا کرده و به خود نزدیک نماید تا جائیکه امام حسن (ع)، خلافت موازی را تهدیدی برای تجزیه جامعه مسلمانان دانسته و بقای شیعیان را در پذیرش صلح و کناره گیری از قدرت تشخیص داد و حمایت از وضعیت معیشتی بازماندگان شهدای جمل و صفین را در مفاد صلح نامه گنجانده.

معاویه با توجه به عداوت و کینه شدیدی که از خاندان پیامبر داشت، حفظ جایگاه خود را بر پایه تخریب شخصیت امام علی (ع) و شیعیانش بنا نهاد و با بهره گیری از اهرم گشاده دستی از بیت المال، توانست نویسندگان زیادی را همراه خود کند، تا زمینه پذیرش حکومت موروثی امویان را هموار نمایند او حتی برای نزدیک کردن امام حسین (ع) به خود نیز، از ابزار

تطمیع استفاده کرد و با فرستادن کنیزی، در پی ترمیم نگاه امام حسین(ع) نسبت به امویان برآمد، هرچند امام پس از آزادی کنیز، اموال اهدائی معاویه را نیز به کنیز بخشید.

مرگ معاویه نوید گشایشی موقت برای رهائی شیعیان از استبداد سیاسی و اقتصادی بود و آنان را به حرکت واداشت، اما یزید خشونت امویان را آشکار نمود. آمادگی مردم مدینه برای پشتیبانی از اعتراض امام حسین(ع) به مشروعیت حکومت یزید به رغم گرفتن هدایای زیاد از او، همچنین خلع یزید از حکومت توسط مردم مدینه می تواند نشانه ای از خشم جامعه از توزیع نابرابر ثروت، شدت فقر عمومی، تبعیض و بهره کشی امویان از اموال مسلمین در آن دوره باشد، که در این شرایط ضعفای جامعه از امام حسین(ع) انتظار داشتند که دست به قیام بزنند.

شیعیان که تا قبل از واقعه عاشورا، هنوز منابع و پشتوانه های مالی سنتی خود را حفظ کرده بودند، پس از آن با عزم جدی حکومت با خفقان سیاسی اقتصادی روبرو گردیده و تقریباً از دیگران مجزا شده و در قرنطینه نگاه داشته شدند، تا از بین بروند. دوران سی و پنج ساله امامت امام چهارم شیعیان، را می توان یکی از پرتلاطم ترین دوران حکومت امویان و حساس ترین ادوار عصر امامت و شیعیان دانست. بی پروائی یزید در کشتن چهره های مطرح شیعه، جسارت به بازماندگان و وحشت آفرینی در بین مردم خصوصاً پس از فاجعه حره آن چنان مردم را از نزدیکی به امام سجاد(ع) ترسانده بود، که کسی جرات نزدیک شدن به ایشان را نداشت، به گفته خود ایشان طرفداران اهل بیت در کل مناطق مکه و مدینه از بیست نفر بیش تر نمی شد.

پس از آن رهبری شیعه بر دوش امام باقر(ع) افتاد، که در دوران اغلب خلفاء، شیعیان تحت فشار بودند و امام آنها را به خویشتن داری فرا می خواند. امام در پاسخ شخصی که جوای احوال ایشان می شود وضعیت خود را به اسارت بنی اسرائیل در دست فرعونیان تشبیه نمود. امام صادق(ع) نیز اوضاع اقتصادی دوران پدر را این گونه بازگو میکند: «پدرم از نظر مالی، در وضعیت مناسبی نبود؛ مخارج سنگینی از عائله ای بسیار را اداره می کرد.»

امام باقر(ع) ضمن آن که یکی از پایه های اسلام را پرداخت زکات عنوان نمود و ندادن آن را به منزله عدم اقامه نماز وانمود کرد دعوت به پرداخت خمس را به طور صریح اعلام کرد: برای هیچ کس جایز نیست که از خمس چیزی را بخورد، مگر اینکه حق ما را به ما برساند.

از میان حاکمان معاصر امام، تنها عمر بن عبدالعزیز را میتوان در امنیت اقتصادی استثناء کرد، زیرا وی که از خشم پنهان مردم نسبت به بنی امیه آگاه بود، تا حدودی گشایش مالی در کار علویان و بنی هاشم ایجاد نمود، وی که با سیره عادلانه ای شناخته شده بود با اصلاحات اقتصادی و مبارزه نسبی با فساد و تبعیض و دستگیری از فقراء توانست چهره مقبولی از خود نشان دهد و مردم را به امویان امیدوار کند و انقلاب علیه آنان را مدتی به تاخیر اندازد.

وضعیت اقتصادی شیعیان در دوره عباسیان

عباسیان سیاستمدار که از مدت ها قبل تشکیلات مخفیانه منظمی را راه انداخته بودند، در آشفتگی پس از جنگ قدرت شاهزادگان اموی با استفاده از نارضایتی عمومی، سعی کردند با شعار طرفداری از خاندان پیامبر و انتقام از امام حسین(ع) اکثریت مردم را همراه خود سازند. ایشان بر موج شورش های اجتماعی سوار شدند و دودمان امویان را غرق کردند. عوامل اقتصادی و مالی در پیروزی عباسیان تاثیر زیادی داشت، ایشان با فراهم نمودن امکانات مالی از طریق بازرگانان خراسان و جمع صدقات شیعیان آن منطقه و... برای پیشبرد نهضت عباسی کمک گرفتند.

امام صادق(ع) در این دوران فعالیت پر بار فکری خود را آغاز نمودند. افزایش آمار شیعیان، شکل گیری نهاد وکالت و پیشرفت اقتصادی ایشان فضای مساعدی برای فعالیت های اجتماعی شیعیان را فراهم کرده بود. امام نیز از فرصت کشاکش امویان و عباسیان استفاده نمود و پایه های اقتدار شیعه را در گرو همبستگی بین شیعیان تعریف نمود، زیرا ایشان دمیدن مداوم روح حیات و امید، و همگرایی شیعیان را باعث تضمین هر چه بیشتر منافع مشترک و نفوذ اجتماعی آن ها می دانست ایشان با بیان حقوق متقابل شیعیان، مانند سفارش ویژه به حمایت از وضعیت اقتصادی خانواده شیعیان مسافر و متوفی در هم افزایی بین آنها تلاش کردند. امام صادق(ع) در پی تحکیم روابط شیعیان و ایجاد احساس مسئولیت جمعی ایشان در برابر آسیبهای ساختاری، به وکیل خویش مفضل بن عمر دستور داده بود که اگر میان شیعیان درگیری مالی درگرفت، از اموال امام به آن ها بپردازد تا منازعه آنها حل شود.

امام کاظم(ع) با دریافت اموال از طریق خمس، درآمد ناشی از موقوفات، هدایا و تجارت، کسب و کار و توزیع مناسب اموال دریافتی، نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی شیعیان، مخصوصاً کسانی که از ناحیه دستگاه حکومت زیر فشار اقتصادی قرار گرفته بودند، داشتند. مهم ترین مصرف اموال امام، کمک به سادات مبارز و غیرمبارز و نیازمندان و فقرا بود. آن امام با گسترش شبکه وکالت در سراسر جامعه اسلامی، برای رفع مشکلات مالی شیعیان در نقاط دوردست اقدام کردند. نمایندگان ایشان درآمدهای مالی را که شامل خمس و موقوفات بود، نزد ایشان آورده و با اجازه امام به مصرف می رساندند. گسترش شیعه و روی آوردن ایشان به مدینه برای پرداخت وجوه شرعی، مهدی عباسی را به وحشت انداخت، به ویژه که امام واگذاری فدک را از مهدی عباسی مطالبه نموده بود و این مسأله میتوانست امکانات مالی فراوانی را در اختیار امام قرار دهد که به نفع حکومت نبود؛ به گونهای که دستور داد امام را به بغداد منتقل کنند و حتی تصمیم قتل ایشان را نیز می خواست عملی کند اگرچه به دلایلی منصرف شد.

از امام رضا(ع) به بعد، که به خاطر سیطره مکتب اهل سنت و ارتباط محدود شیعیان با ائمه، تشیع با گرایشهای مختلفی مانند زیدیه، کیسانیه، اسماعیلیه، فطحیه و شیعه عباسی شناخته می شد، خمس به عنوان منابع درآمدی امامان در نزد شیعیان

رواج بیشتری یافت. امام جواد(ع) در همان عمر کوتاه خود، ارتباط خود را با شیعیان از طریق نمایندگان و نصب وکلا، حفظ نمود و عده ای را مأمور جمع آوری خمس نمود.

همین فعالیت گسترده وکلا، موجب گسترش شیعه و جلوگیری از تجزیه نیروهای آنان میگردد. این کارگزاران، علاوه بر اقامت در مناطق قدیمی شیعه مانند بغداد، مدائن و قم، در سیستان، بست، اهواز، همدان، ری، بصره، مصر و خراسان نیز پراکنده شده بودند از میان آن ها افرادی چون علی بن مهزیار اهوازی، سعد بن اشعری قمی و ابراهیم بن احمد همدانی را می توان نام برد.

دوران متوکل، سختترین روزگار شیعیان بود، زیرا در راستای حمایت از افکار اهل حدیث و سرکوب عقاید مخالف با آنها، شیعیان به شدت سرکوب شده و سختگیری به ایشان، تبدیل به ستیزه جویی آشکار گردید، و ارتباط با امامان شیعه، جرم سیاسی به شمار آمده و بدترین عقوبات را در پی داشت خصوصاً که متوکل با سعایت فرماندار مدینه مبنی بر جمع آوری پول و اسلحه در خانه امام از جایگاه امام هادی(ع) وحشت داشت از این رو علاوه بر احضار امام به سامرا، اجازه دیدار با ایشان را نمی داد وی فدک که از زمان مامون به شیعیان برگشته بود را دوباره مصادره نمود.

اما پس از امام هادی(ع)، به دلیل دورکردن امام عسکری از جمع شیعیان و مراقبت و حصر و حبس ایشان در منطقه نظامی سامرا، اوضاع شیعیان به اندازه های دشوار شد، که تنها راه ارتباط با ایشان «مکاتبه» بود، از این رو امام شک مردم درباره امامت خود را استثنائی معرفی می کند ایشان در دعائی وضعیت بد اقتصادی شیعیان را چنین ترسیم می کند: اموالی که باید صرف معیشت پیرزنان و کودکان گردد، صرف لهُو و لعب می گردد. کسی به فکر عامه مردم نیست و مردم از گرسنگی و سختی روزگار در حال هلاکت هستند و مؤمنان در رنج و سختی فراوان به سر می برند.

بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع)، برادرشان جعفر با حمایت خلیفه معتمد عباسی، تمام اموال ایشان را تصاحب کرد و به دروغ ادعای ارث از امام حسن عسکری(ع) نمود. از این رو، به عنوان تنها وصی امام، نزد قاضی رفت و اقامه دعوی نمود، در حالی که ادعای جانشینی امام حسن عسکری(ع) را نیز علنی نمود. با مصادره اموال امام حسن عسکری(ع)، بازماندگان امام در وضعیتی بسیار تاسف باری قرار گرفتند، تا جایی که در آن شرایط، خانواده امام نه مسکن مناسبی داشتند و نه خوراک و پوشاکی و نه کسی جرئت میکرد از آشنایی با آنها سخن بگوید، زیرا اگر چنین می کردند دشمن سرسخت دولت قلمداد می شدند.

اگر چه شیعه امامیه پس از دوره حضور امامان، به دلیل عدم دسترسی همگان به امام معصوم، بحرانهای مختلفی مثل سرگشتگی شدید، تفرق و اشکال تراشی مذاهب دیگر شیعی علیه باورهای امامیه را تجربه کرد و چونان بدنی شده بود، که قلبش آسیب دیده و حیاتش در معرض خطر بزرگی قرار داشت؛ اما با توسعه باب اجتهاد و گسترش کارکردهای شبکه وکالت در قالب نهاد مرجعیت، در مسائل جاری به رفع مشکلات خود اهتمام ورزید و امکان رشد بیشتری را پیدا نمود.

شیعیان که نگران آینده اقتصادی خود بودند، با پشت سر گذاشتن دوران های متفاوتی، روز به روز بر قدرت و تجربه خویش افزودند و به سبب جهان بینی اقتصادی خود از فرصت های شغلی آزاد، که کمتر به حکومت مربوط میشد، همچون کشاورزی، تجارت، صرافی و کارهای خدماتی، استفاده میکردند و چه بسا از همین طریق پیام اهل بیت را به دیگران منتقل می کردند. شایان توجه است که شیعیان معتقدند: یکی از امتیازات حکومت جهانی امام مهدی (ع)، گسترش عدالت اقتصادی است به گونه ای که همه انسان ها از لحاظ زندگی اقتصادی بی نیاز می شوند و همگان در رفاه خواهند بود، فقیر و بی خانمان نخواهد ماند.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام دکتر محمد دوست ، ناقد اول حجت الاسلام دکتر سید حمید جوشقانی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- فهرست را با سلسله زمان مطرح کردند که بیشتر تاریخی است و ار حیث ادبیات و اصلاحات بعضی جاها به رشته اقتصاد خیلی ارتباط ندارد.
- هر کسی که این مقاله را می خواند در ذهنش فضا و وضعیت اقتصاد قرار می گیرد.
- بعد اقتصادی را خیلی به نحو احسن به ابعاد زندگی قرار داده است.
- مقاله دارای مشکلات و ایرایشی است و نیاز به ویرایش دارد.
- در برخی قسمت ها از ادبیات محاوره ای استفاده شده که زیبا نیست.
- اشرافیت مذهبی یک تعبیر غلط انداز است. باعث می شود که این پیام داده شود که مذهب باعث اشرافیت شده است.
- آزادی در اقتصاد یک معنی دیگر دارد. این در اقتصاد به معنای استقلال و ضرورت است و نه آزادی در علوم اجتماعی.
- بجای امام علی (ع) از حضرت امیرالمومنین استفاده شود بهتر است.
- این مقاله بیشتر درصدد بیان وضعیت اقتصادی مسلمانان است نه فقط شیعیان، در نتیجه در عنوان اگر مسلمانان میامد مطالب رساتر و گویاتر بود.
- رویکرد مقاله تاریخی است نه اقتصادی.
- وضعیت اقتصادی در عرف حالت درآمد مردم را بیان می کند ولی وقتی در اقتصاد صحبت میکنیم مراد کل اقتصاد می شود یعنی شامل تولید و مصرف می شود.
- اگر قرار باشد از حیث شیعیان صحبت کنیم باید بررسی شود که آیا شیعیان در تولید و مصرف بازار، بازرگانی و ... نقش داشته اند یا خیر.

- شیعیان را در حکومت دخالت نمی دادند که بروز و ظهور آشکارانه داشته باشند و از طرف دیگر آنها را در تجارت محدود می کردند که نتوانند کار اقتصادی انجام دهند.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر محمدسعید پناهی بروجردی به موارد زیر پرداختند:

- مقاله خوبی هست و زحمت خوبی برای آن کشیده شده است.
 - این چنین کاری کمتر صورت گرفته و این روند تاریخی که ایشان مطرح کردند ما به آن نیاز داریم.
 - در مقاله نتیجه گیری از واقعیات که باید گرفته شود، گرفته نشده است.
 - وضعیت اقتصادی شیعیان را در سه طبقه باید تقسیم بندی می کردیم و آنها را ارائه می کردیم مانند تولید، مصرف و درآمد.
 - در مسیر توسعه اولین حرکت اقتصادی که انجام می شود توسعه کشاورزی است.
 - در کشورهای اسلامی اهل بیت در چه زمینه ای فعالیت می کردند و از آنها می توان بعد و جایگاه اقتصادی شیعیان را بدست آورد.
 - فعالیت های جنبی در حوزه اقتصاد یکی از محورهای اصلی اقتصادی است.
 - مهاجرت یکی از مهم ترین عوامل اقتصاد است که در سیره اهل بیت (ع) مشاهده می شود.
- در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.